



ترجمه ای

کهن از کلام خدا



حسن عاطفی

مقدمه

در مجموعه کتب خطی نویسنده سطور، قرآنی با ترجمه فارسی وجود دارد که در این ترجمه ویژگی های نثر قرن چهارم و پنجم هجری به چشم می خورد، مانند بکار رفتن واژه های کهن پارسی و آمدن برخی از افعال مهجور و متروک که در ذیل به آن اشاره خواهد شد. نسخه موجود بدون تاریخ تحریر می باشد. ولی در صفحه پشت جلد آن با خطی تازه تر چنین آمده است:

همین کلام الله مجیدی است که روی عرابه زرین انداختند و در جلو آن تکبیرگویان بجهت هلاکوخان بدستور خواجه نصیرالدین طوسی رحمة الله علیه بردند و آن خان عالی شأن صد قدم با استقبال این کلام با نهایت... و خشوع آمد. حرره عبد من العباد هداه الله الی سبیل الصدق و الصداد.

گذشته از صدق و کذب این مطلب، نوع کاغذ و کتابت نسخه حکایت از آن دارد که باید قرن هفتم یا هشتم استنساخ شده باشد، از جمله ترجمه، با نستعلیقی ابتدائی نوشته شده است. رعایت دال و ذال (جاویدان - بدان - خدا...)، گذاشتن سه نقطه زیر (س)، نیاوردن هـ غیر ملفوظ: ساد(ساده) - میوها(میوه ها) - آنک (آنکه) - آنچه (و غیر از خصوصیات آن است. در پایان نسخه جدا از متن «فالنامه حضرت امام جعفر صادق(ع) در تفأل از کلام الله با خط نسخ آمده است که به ظاهر باید در دوره های بعد نوشته شده باشد.

الف) بخشی از ویژگی های دستوری ترجمه

۱. آوردن «ب» زینت یا تأکید بر سر برخی از مصادر مانند: «این قرآن برسانیدنی است مردمان را»
۲. آوردن «ب» پیش از برخی از صفات فاعلی یا مفعولی - مانند: بگرویدگان (بگرویده) - بدهندگان .
۳. گاهی آوردن «ب» پیش از جز پیشین «می»: بمی گردانید - بمی گروید
۴. آوردن «ب» پیش از م نهی: بمگردان
۵. آوردن «ب» با (ن) نفی مانند: بنمی گروند
۶. آوردن مر (علامت مفعول بیواسطه) پیش از مفعول، مانند: مرکافران را بود عذابی دردناک
۷. آوردن ی شرط - ی تمنا و آرزو - ی استمرار، به دنبال صیغه افعال:
ی شرط: اگر ایشان بدانستندی نکردندی
ی تمنا و آرزو: گوید کافر کاشکی من بودمی خاکی
«... یقول الکافر یا لیتنی کنت ترابا»
(نباه ۴۰/۷۸):
- ترجمه تفسیر طبری: گویند کافر ای کاشک من می بودمی خاک .
ی استمرار: گفتندی
۸. آوردن افعال گاهی به صورت های کهنه مانند: نوشتمانیم = نوشتیم، کردمانیم = کردیم، اگر خواستمانی مه فرا گرفتمانی = اگر خواستی فرا گرفتمی، برداشتمانیم = برداشتیم، پرستیدمانیم = پرستیدیم، بیستمانیم = بیستیم، بداشتمانیم = بداشتیم.^۲
۹. آوردن «ن» گاهی به جای م نهی مانند: نریزید، بیرون نکنید.
۱۰. در بعضی موارد جمع های عربی برای بار دوم جمع شده است: شیاطینان

ب) قسمتی از لغات و ترکیبات و افعال بکار رفته در متن

| لغات و ترکیبات و افعال کهنه متن | معادل عربی یا اصطلاح امروزی آن |
|--|-----------------------------------|
| | الف |
| فرو روندگان (ترجمه تفسیر طبری: فرو شوندگان) | آفل |
| پس روی | اتباع |
| راه گذریان | ابن السبیل |
| بزه | اثم |
| فرا گرفتن | اشترا |
| فرا گرفتن | اخذ |
| فرا گرفتن | اتخاذ |
| پناه می دهم به خدا | اعوذ باللّه |
| پانشیب برو (هبوط = پانشیب) | اهبط |
| پانشیب بروید (هبوط = پانشیب رفتن) | اهبطوا |
| تنها | انفس |
| نانویسندگان | امیون |
| دستو'نجنها (سوار - سنوار - اسوار = دستور نجن) | اساور |
| دییای ستبر | استبرق |
| افتیده | افتاده |
| انگورستانها | اعناب |
| افرشته تر | أعلى |
| بر یافتن - (ترجمه تفسیر طبری: یافتن) | افترا |
| برآغالا نیدیم ما (ترجمه تفسیری طبری: آوکندیم - | اغرینا |
| پاورقی: برآغالیدیم | |
| اقرار دادن | اقرار کردن |
| | ب |
| بسته زبان های چهار پایان (ترجمه تفسیر طبری: نخجیران از چهار پایان) | بهیمه الانعام |

بغی

بی سامان کار

(ترجمه تفسیر طبری - آیه ۲۸ سوره مریم : وی سامان کار)

بخشیدن - دادن

بخشودن

بداشتیم

بداشتمانیم

برداشتیم

برداشتمانیم

بیستیم

بیستمانیم

بیت عتیق

خانه دیرینه

بس

خرد و مرد شدن - (سوره واقعه آیه ۵ : و بست الجبال

بسا) - ترجمه تفسیر طبری : فرو شکستن - (ص ۱۷۹۴)

برق

آتشه (رعد و برق = رعد و آتشه)

بطرت

دنه گرفتند - (ترجمه تفسیر طبری : بیازرده شدند) و کم اهلکنا من

قریه بطرت معیشتها ، (قصص ۵۸/۲۸) . ترجمه متن : و چند هلاک

کردیم ما از اهل دیهی که دنه گرفته بودند در زیستن آن - ترجمه

تفسیر طبری : و چند هلاک کردیم از دیهی که بیازرده شدند

بزندگان آن (ص ۱۲۷۰) نسخه های پاورقی تفسیر طبری : ... از

دیهی برمی گرفته بودندشان از زندگانی خویش - ... از دیهی

همباردگی کردند بوقت حیات آن - ندیدن : آن است که به تازی

بطر گویند و هر چیز که شاطر می دود آن دویدن آن را دنه خوانند و

گردنده و دنان (فتح نامه ، چاپ ایرج افشار ، ص ۳۲۶)

پ

پرهیز کردن

پرهیزیدن

پرستیدیم

پرستیدمانیم

ت

تقویل

بربافتن

توجه

روی فرا کردن

تمثال

تندیس

تعالی

افراشته است (پاورقی ترجمه تفسیر طبری : برتر است)

تفصیل

هویدا کردن

| | |
|---|------------|
| پایدان گردانیدن | تکفیل |
| | ث |
| پاداشت | ثواب |
| | ج |
| پدر پریان - در ترجمه تفسیر طبری هم چنین است . | الجان |
| کننده | جاعل |
| کردن | جعل |
| | ح |
| گشنی - (گشن = نر - نرخواه - طالب نرینه) | حام |
| گازران (ترجمه تفسیر طبری : | حواریون |
| حواریون - نسخه های پاورقی : گازران - یاران) | |
| خرما استان ها | حدائق |
| چنبره گردن | حنجره |
| لوش بوی بگردانیده (حما = گل سیاه و بدبو) | حما مسنون |
| | خ |
| سپندان | خردل |
| ترسکاران | خاشعین |
| ترسکاران | خائفین |
| خوه شده (خوه بدون ه غیر ملفوظ ضبط شده است) | خفه شده |
| باز پس جهنده | خناس |
| | د |
| دشخوار | دشوار |
| در رفتن | داخل شدن |
| در افتیده | در افتاده |
| خرد و مرد (سوره اعراف، آیه ۱۴۳) پاورقی ترجمه | دکا |
| تفسیر طبری : ریزه ریزه | |
| چوب خوره زمین (سوره سبا، آیه ۱۴) اشاره به موضوع | دابة الارض |
| مردن سلیمان | |

| | |
|--|----------------|
| دستوری | دستور |
| جنبندگان (دایه=جنبنده) | دوآب |
| | ذ |
| ارش | ذراع |
| خداوند | ذو |
| بردامیدن - و الذاریات ذرواً (ذاریات، ۱/۵۱) بحق بادهایی | ذرو |
| که خرمن بدان بردامند بردامیدنی (ترجمه تفسیر | |
| طبری: بادهای سخت - پاورقی: دمنده) (ص ۱۷۵۱) | |
| | ر |
| باردان (ترجمه تفسیر طبری: بار) | رحل |
| کوه های بیخ آور | رواسی |
| راستر | راست تر |
| | ز |
| زن کردن (در کاشان زن گرفتن و شوهر گرفتن را «زن رفتن و | زن گرفتن |
| شوهر رفتن» گویند). | |
| زور (تفسیر طبری: بر) | زبر (بالا) |
| پایندان (آیه ۷۲ سوره یوسف) ترجمه تفسیر طبری: | زعیم |
| گرفتار؟ نسخه های پاورقی: پایندان - میانجی - پزرفتار | |
| | س |
| شنا برنده | سایح |
| کاروانیان | سیاره |
| سختترین | سخت ترین |
| سنگی | سنگین (ضد سبک) |
| دییای تنگ | سندس |
| کوراب - گوراب (آیه ۳۹، سوره نور) | سراب |
| | ش |
| شکر پذیرنده (در ترجمه تفسیر طبری هم چنین است) | شکور |
| سرو | شاخ |
| شنا بردن | شنا کردن |

شیطان رجیم

ص

صابین

صبر کردن

صداق

صدید

صفوان

صلد

صلصال

ض

ضفادع (ضفدع)

ضلال

ط

طین لازب

طغیان

طعام

طعام

ع

عهن المنفوش

عدس

عوج

دیوارنده نفریده

از دین به دینی شوندگان

پای داشتن (صبرنا=پای بد اشتهامیم ما)

کاوین

زرد آب (ترجمه تفسیر طبری: آبی ناخوش - نسخه های

پاورقی: آب زرداب خوناب - آبی چون آب

گرم - آب خون وریم)

سنگ ساده (ساده در ضبط بدون هر غیر ملفوظ)

ساده (ساده در ضبط بدون هر غیر ملفوظ)

گل خشک (ترجمه تفسیر طبری: غریژنگ) لقد خلقنا الانسان من

صلصال من حمأ مسنون

بَزَغ

پوشش (ترجمه تفسیر طبری: گم شدگی، نسخه های

پاورقی: عشق و دوستی؟ - بی راهی)

گلی دوسنده - (ترجمه تفسیر طبری: خوشیده) -

سورة الصافات آیه ۱۱

بیراهی

خورش

دست کش (اليوم أحلّ لكم الطّيبات و طعام الذي اوتوا الكتاب حلّ لكم و

طعامكم حلّ لهم) (مائده، ۵/۵) طعام فقط در این آیه به این معنی آمده

است. نسخه های پاورقی ترجمه تفسیر طبری: کشتار - خورش

پشم وزده (ترجمه تفسیر طبری: پشم زده)

نیژو

کژی

علیا
علیّ
عالین
علوّ

افرشته تر (ترجمه تفسیر طبری: برترین)
افرشته . هو العلیّ الکبیر = اوست افرشته بزرگوار
افرشتگان
افرشتگی - (این واژه در ضیاء الشهاب نیز آمده:
افرشتگی = شرف و افرشته = شریف و بزرگ)
ببالا بردن

عروج
عنید
عصیب
عفریت
عود

ستیزه کش - (ترجمه تفسیر طبری: گردنکش)
دشخوار (ترجمه تفسیر طبری: سخت)
ستنبه (مارد و مرید هم چنین معنی شده است)
با سر رفتن - (و من عاد و هر که با سر رود) ترجمه
تفسیر طبری: و هر کی باز گردد

غ

غلیظ

ستبر (عذاب غلیظ = عذاب ستبر) ترجمه تفسیر
طبری: سخت و درشت

فریفتن

غرور

ناپیدا

غیب

بدریا فرو شونده (ترجمه تفسیر طبری: با آب فرو شونده)

غواص

ف

فجر

بام (ترجمه تفسیر طبری هم چنین است)

فاسقین

نافرمانان (جامع علوم انسانی)

آزمایش

فتنه

سرگین

فرث

بی سامان کار اولئك هم الکفرة الفجرة - آیه آخر سوره الاعمی (عبس)

فاجر

ق

سپست (ترجمه تفسیر طبری و پاورقی: سپست - ص ۱۹۸۷)

قضب

سوره عبس - آیه ۲۸

نشینندگان

قاعدون

سر بسر

قصاص

| | |
|---|-----------|
| کاغد | قرطاس |
| دیه | قریه |
| خستگی | قرح |
| ایستادگان | قوأمون |
| کیپان (قرد - کپی) | قرده |
| قسم کردن | قسم خوردن |
| | ک |
| کاهانیدن | کم کردن |
| پایندانی کردن - (پایندانی = کفالت) در متن ضیاء الشهاب نیز آمده است. | کفالت |
| دروغ زن | کاذب |
| کردمانیم | کردیم |
| اخترگو (اخترگر؟) | کاهن |
| بازمکاهانید | کم مکتید |
| کاران | کفیل |
| | ل |
| زره گری | لبوس |
| رودپاوی - (ترجمه تفسیر طبری: اینجا و آنجا - نسخه های پاورقی: بهم اندر آمیخته - فراهم کرده) | لغیف |
| لویشه برنهم - (ترجمه تفسیر طبری: از بیخ برکنم و بی راه کنم - نسخه های پاورقی: فرو گیرم - لیشه نهم - بگیرم بر کاو لاتجزی بنگزیراند | لاحتنکن |
| باریک بین - (ترجمه تفسیر طبری: باریک دان) | لطیف |
| | م |
| گزاران | مسرفین |
| زنجه (ترجمه تفسیر طبری: زبانه) و خلق الجان من مارچ من نار (آیه ۱۵ سوره الرحمن) | مارچ |
| برخورداری | متاع |

| | |
|--|-----------|
| ره یابندگان - راه راست یابندگان | مهندون |
| برگردندگان | معروضون |
| بگرویدگان | مؤمنین |
| انباز فرا دارندگان | مشرکین |
| بشک شونندگان | ممتزین |
| بازگشتن جای | مآب |
| سازنده | ماکر |
| ساختن | مکر |
| ستنبه - (این واژه در ویس و رامین آمده : ستنبه دیو مهر آمد بجنگش بزد بر دلش زهرآلود چنگش) ص ۱۵۰ - چاپ مینوی | مارد |
| ستنبه (ترجمه تفسیر طبری : رانده) | مرید |
| اندوزندگان | مقترقون |
| چفت بسته - (جنات معروشات = بستان های چفت بسته) ترجمه تفسیر طبری : حرم؟ کلمه نا مفهوم و حاشیه نیز نامفهوم، (یغمائی - ص ۴۶۱ - آیه ۱۴۱) یعرشون = چفت می بستند - ترجمه تفسیر طبری : می چفته زدند - پاورقی : همی چفتانیدند . | معروشات |
| خدا وا داراد . (ترجمه تفسیر طبری : مکناد خدای - نسخه های پاورقی : بازداشت خواهم از خدای - بخدای بازداشت خواهم گریختن جای (ترجمه تفسیر طبری : رستن) | معاذ الله |
| پیشینیان | محیص |
| بازپسینیان | مستقدمین |
| فرو گذاشته - (ترجمه تفسیر طبری : رها گذاشته) | مستأخرین |
| رو روزن؟ (ترجمه تفسیر طبری : روزن - ص ۱۱۱۷) | مخدول |
| در ساختن - ودوا لو تدهن فیدهنون = آرزو کردند که در سازی تو پس در سازند ایشان - ترجمه تفسیر طبری : دوست دارند که تو مداهنت کنی و مداهنت کنند . پاورقی : چرب سخنی . آیه ۹ سوره القلم ، ص ۱۹۱۴ | مشکوة |
| چره زار - ترجمه تفسیر طبری : چراگاه (ص ۱۹۸۲) - چرا استان (ص ۲۰۱۰ - سوره الاعلی) پاورقی : گیاه خوان . | مداهنت |
| | مرعی |

| | |
|--|------------|
| پلشتی - (سوره نساء، آیه ۲۲). مقت در سوره صف آیه ۳، نیز آمده است. کبر مقتاً عند الله. بزرگ پلشتی است نزدیک خدا. ترجمه تفسیر طبری: بزرگ دشمنی است نزدیک خدای (ص ۱۸۵۹): | مقت |
| حشر کرده شوید | محشور شوید |
| غلبت کرده شوید | مغلوب شوید |
| ترنگبین | الْمَنَّان |
| | ن |
| نگرنده | ناظر |
| ناسازگاری | نشوز |
| نیم بالشها - (ترجمه تفسیر طبری: بالشها، سوره غاشیه، آیه ۱۵، ص ۲۰۱۴) | نمارق |
| نگوسار | نگونسار |
| نمید | نومید |
| سالار - نسخه پاورقی تفسیر طبری: سرهنگ | نقیب |
| نگریستن | نظر کردن |
| تن - انفس: تنها | نفس |
| زه و زاد | نسل |
| | و |
| باردان (ترجمه تفسیر طبری: بار - پاورقی: جوال) | وعاء |
| کاران، نگهبان - (کاران به معنی کفیل هم آمده است) | وکیل |
| | هـ |
| نوش و گوارنده | هنی |
| اینکید شما (ترجمه تفسیر طبری: شما بید) | ها اَنتُم |
| استه | هسته (نوی) |

ج. مقایسه ترجمه آیات این متن با ترجمه تفسیر طبری در خاتمه برای بهتر روشن شدن قدمت این ترجمه آیاتی از آن با ترجمه تفسیر طبری که در شمار یکی از کهن ترین آثار نثر فارسی می باشد مقایسه ای بعمل می آید:

لله ملك السموات و الارض و ما فيهن و هو على كل شيء قدير (مائده، ۱۲۰/۵)

این متن : خدایا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در میان این و آنست و او بر همه چیزی تواناست .

ترجمه تفسیر طبری : خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنست و اوست بر همه چیزی توانا .

سوره انعام آیه ۱

این متن : شکر و سپاس و ستایش خدای راست آن خدایی که بیافرید آسمانها و زمین را و بکرد تاریکیها و روشنی را . پس آنها که کافر شدند به پروردگار خویش برابری می کنند .

ترجمه تفسیر طبری : شکر خدای را آنک بیافرید آسمانها و زمین و کرد تاریکیها و روشنایی ، پس آنکس ها که کافراند بخداوند ایشان می برابری کنند .

سوره انعام آیه ۷۴

این متن : و چون گفت ابراهیم مر پدر خویش را آزر ای فرا میگیری توبتان را بخدایان ، بدرستی که من میبینم ترا و قوم ترا در گمراهی روشن

ترجمه تفسیر طبری : که گفت ابراهیم پدر خویش مر آزر را که می گیری بتان را بخدایی ، می بینم ترا و گروه ترا اندر بی راهی هویدا .

سوره انعام آیه ۱۱۰

این متن : و بمی گردانیم دلهای ایشان و بیناییهای ایشان چنانکه بنگر ویدند بدان اول بار و بگذاریم ایشان را تا در بیراهی خویش سرگشته می شوند .

ترجمه تفسیر طبری : و می گردانیم دلهاشان و چشمهاشان چنانچه نه گرویدند بدان نخست بار و دست بداریمشان اندر بی راهی ایشان می گردند .

سوره اعراف آیه ۹۸

این متن : یا ایمن شدند اهل دیه ها که آید بدیشان عذاب ما چاشتگاه و ایشان بازی کنند .

ترجمه تفسیر طبری : یا ایمن شدند اهل دیه ها که بیاید بدیشان عذاب ما بچاشتگاه و ایشان می بازی کنند . (ص ۵۱۳)

سوره یونس آیه ۵

این متن : او آن خدا ایست که بکرد خورشید را روشنی و ماه را سبب نوری و اندازه کرد آنرا منزلها تا بدانید شمار سالها و حساب ، نیافرید خدا آنرا مگر بحق هویدا می کند نشانها را مرقوی را که بدانند .

ترجمه تفسیر طبری : و اوست آنک کرد آفتاب را روشنایی و ماه را نوری و اندازه کرد آن را

جایگاهها تا بدانند شمار سالها و حسابها آن و نه آفرید خدای آن مگر برآستی، فصل کنیم آیتها گروهی را که می دانند.

سوره یونس، آیه ۱۳

این متن: بدرستی که هلاک کردیم ما گروهان را از پیش شما چون ستم کردند و آمدند بدیشان رسولان ایشان بحجتها و بنگرویدند، همچنین پاداشت دهیم قوم کافران را.

ترجمه تفسیر طبری: و بدرستی که هلاک کردیم گروهی را از پیش شما چون ستم کردند و آمد بدیشان پیغامبران ایشان بپیداییها و نه بودند می گرویدند چنان پاداش کنیم گروه گناهکاران.

سوره یونس آیه ۲۱

این متن: و چون درچشانیم مردمان را رحمتی از پس زبانی که رسیده باشد بدیشان، آنکه ایشان را بود ساختنی در افکار نشانه های ما بگو ای محمد خدا شتابنده تر بساختن، بدرستی که رسولان ما می نویسند آنچه شما می سازید.

ترجمه تفسیر طبری: و چون بچشانیدیم مردمان را رحمتی از پس بدی ای که رسید ایشان را چون ایشان راست مکر اندر آیت های ما، بگو که خدای شتاب مندتر مکر است که پیغامبران ما می نوشتند آنچه مکر می کردید.

سوره یونس آیه ۲۴

این متن: بدرستی که مثل زندگانی چون آبیست که فرو فرستادیم ما آنرا از آسمان پس آمیخته شود بدان رسته زمین از آنچه می خورند مردمان و چهارپایان، تا چون فرا گیرد زمین آرایش آن و آراسته شود و گمان برند اهل آن که ایشان توانایانند بر آن. آید بدان فرمان ما بشب یا روز. پس بکنیم ما آنرا دروده گویا که نبوده وی، همچنین هویدا می کنیم نشانه ها را مرقومی را که اندیشه کنند.

ترجمه تفسیر طبری: حقا که داستان زندگانی این جهان چون آبی است که فرستادیم از آسمان، بیامیخت بدان بر رستنی های زمین از آنچه خورد مردمان و چهارپایان، تا چون گرفت زمین نبات آن و بیاراست و گمان بردند گروه آن که ایشان توانانند بدان، بیامد بدیشان فرمان ما شبی یا روزی، کردیم آن را دروده، گویی که نه بود هرگز، چنان فصل کنیم آیتها گروهی را که اندیشه کنند. (ص ۶۷۰)

سوره نحل آیه ۹۲ و لاتکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوة انکاثا.

این متن: و مباشید چون آن زنی که باز شکافت ریسمان خویش را از پس تاب دادن، تاب باز

پس دادنی

ترجمه تفسیر طبری: و مباشید اندر شکستن پیمان چنان زن که واخنید ریسمان خویش را از پس محکم رشتن فرهم خنید.

سوره نحل آیه ۱۲۰ ان ابراهیم کان امة قانتا لله حنیفاً و لم یک من المشرکین

این متن: بدرستی که ابراهیم بود امامی فرمانبردار خدای را مائل از باطل باحق و نبود از جمله انباز فرا دارندگان.

ترجمه تفسیر طبری: بدان که ابراهیم بود بتن خویش امامی فرمانبردار، خدای را مسلمان پاکیزه و نبود از هنباز گویان.

سوره کهف آیه ۱۷

این متن: و دیدی تو خورشید را چون برآمدی برگردیدی از غار ایشان سوی دست راست و چون فرو شدی بگردیدی بدیشان سوی دست چپ و ایشان در فراختایی بود از آن غار، آن از نشانهای خداست هر که راه را امید خدا او را پس او راه یابنده بود و هر گه گمراه کند پس نیابی تو او را دوستی بصواب.

ترجمه تفسیر طبری: و دیدی تو - یا محمد - آفتاب را چون برآمدی در گردیدی از غارشان سوی دست راست و چون فرو شدی آفتاب درگذشتی برایشان سوی چپ و ایشان در فراخی بودند از آن، این از آیت های خدای است هر کی راه راست دهد خدای، اوست راه راست یافته و هر کرا در گم شدگی می دارد، نیاوی او را دوستی و یاری راهنمای (ص ۹۲۱، ج ۴ - ۳)

سوره مؤمنون آیه ۵۳ فتقطعوا امرهم بینهم زیراً کل حزب بمالذیهم فرحون

این متن: پس خلاف کردند در کار خویش میان یکدیگر گروهان. هر گروهی بدانچ نزدیک ایشان است شادانند.

ترجمه تفسیر طبری: پاره پاره بکردند کار ایشان میان ایشان نبشته، هر گروهی بدانچه نزدیک ایشان راست شادی کنندگان اند. (ص ۱۰۷۵)

سوره مؤمنون آیه ۸۴ قل لمن الارض و من فیها ان کنتم تعلمون

این متن: بگو ای محمد کراست زمین و آنک در آنند اگر شما بدانید.

ترجمه تفسیر طبری: بگوی که کراست زمین و آنک اندران اگر هستید و می دانید (ص ۱۰۸۲)

سوره نمل آیه ۶۲ امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض...

این متن: یا کیست که پاسخ کند بیچاره را چون خواند او را و بردارد بدی را و بکند شما را

گماشتگان زمین، ای خدا خدایی دیگر هست نه اندکی پند می گیرید شما.

ترجمه تفسیر طبری: یاکی اجابت کند بیچاره را چون بخواند او را و باز بدارد بدی را و کند شما را

خلیفتان زمین، خدای دیگر است با خدای عزوجل؟ اندکی اند آنچه پند همی پذیرند (ص ۱۲۰۷ - ۸)

سوره قصص آیه ۶۸

این متن: و پروردگار تو آفریند آنچه خواهد و برگزیند، نبود ایشان را اختیاری، پاک و منزّه است خدا و افزاشته از آنچه ایشان انباز فرا می‌دارند.

ترجمه تفسیر طبری: و خداوند تو آفریند آنچه خواهد و برگزیند، و نه بود ایشان را برگزیدن، پاک است خدای عزوجل و برتر است از آنچه انباز گیرند.

سوره عنکبوت آیه ۱۶

این متن: و ابراهیم را چون مرقوم خویش را به یگانگی پرستید خدای را و ترسید از او آنتان بهتر شما را اگر شما بدانید.

ترجمه تفسیر طبری: و ابراهیم که گفت گروه خویش را که بپرستید خدای عزوجل و بترسید از او که آن بهتر شما را اگر هستید و می‌دانید. (ص ۱۲۹۸)

سوره الرحمن آیه ۴۱ يعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالتواصی و الاقدام

این متن: شناخته شوند کافران بنشانهای روی ایشان پس بگیرند ایشان را بمویهای پیشانی و قدم‌ها.

ترجمه تفسیر طبری: شناخته شوند گناهکاران بنشانهای ایشان و گرفته شوند بموی پیشانیهای

ایشان و پایهایشان (ص ۱۷۸۶)

سوره مطلقین آیات ۱-۲-۳ ویل للمطلقین . الذین اذا اکتالوا علی الناس یتوفون و اذا کالوهم...

این متن: وای مر پیمایندگان را. آنها که چون پیمایند بر مردمان تمام فراستانند و چون پیمایند

ایشان را یا وزن کنند ایشان را باز کاهانند.

ترجمه تفسیر طبری: وای طغاف کنان را یعنی کیلان که غله می‌پیمایند. آنکسها را که چون

می‌پیمایند بر مردمان تمام پیمایند و تمام بستانند، و چون پیمایند ایشان را یا بسنجند ایشان را

کاست کاری کنند. (ص ۱۹۹۶).

ماضی استمراری: می‌گفتیمو (می‌گفتمان) = می‌گفتیم

می‌گفتید و (می‌گفتیدان) = می‌گفتید

مضارع التزامی: بزیمو (بزیمان) = بزیم، بزیدو (بزیدان) = بزید

مضارع اخباری: می‌سازیمو (می‌سازیمان) = می‌سازیم

می‌سازیدو (می‌سازیدان) = می‌سازید

صیغه جمع فعل امر نیز بدین صورت بکار می‌رود و مشابه با

صیغه دوم شخص جمع مضارع التزامی

است. مانند: بشکنیدو (بشکنیدان) = بشکنید، ظاهر(آن)

در این صیغه‌ها علامت جمع می‌باشد ولی در سوم

شخص جمع به کار نمی‌رود.

۱. از دارندگان این قرآن سینه به سینه نقل شده است که این واقعه مربوط به روی آوردن سپاه مغول به کاشان بوده است و خواجه نصیرالدین این عمل را بعلت ارتباط و آشنایی با افضل الدین محمد بن حسن مرقی کاشانی (بابا افضل) و یا به اشاره او انجام داده، و به پامردی خود کاشان را از تخریب و قتل و غارت مغول محفوظ داشته است. و الله اعلم.

۲. قسمت‌های نقطه چین در ادبیات، از میان رفته است.

۳. این گونه افعال هنوز از گوش محلی شهر کاشان بجای مانده است.

و این شکل فقط در اول شخص و دوم شخص جمع می‌آید:

ماضی مطلق مانند: رفتیمو (رفتیمان) = رفتیم، رفتیدو (رفتیدان) = رفتید